

حمایت کیفری از اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال امریکا

علی نجفی توانا*
محمد امینی**

تاریخ تأیید: ۹۰/۶/۷

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۵

چکیده

اسرار تجاری که شامل همه اشکال و انواع اطلاعات تجاری و اقتصادی می‌باشد و مالک این اسرار همیشه در حفظ محرمانگی آن می‌کوشد، همواره ممکن است مورد تجاوز و دستبرد از سوی افراد سودجو قرار گیرد. در صورت افشاء، اسرار تجاری ماهیت رازبودن خود را از دست داده، از چتر حمایتی قانونگذار نیز خارج خواهند شد. همچنین ارزش اقتصادی آن نیز از میان خواهد رفت؛ زیرا ارزش اقتصادی آن منوط به حفظ رازبودنش است؛ بنابراین ضروری است قانونگذار با جرم‌انگاری موارد نقض محرمانگی اسرار تجاری، به حمایت از این اسرار مبادرت ورزد؛ امری که در قوانین فدرال ایالات متحده امریکا به موجب قانون جاسوسی اقتصادی مصوب ۱۹۹۶ صورت گرفته، ولی در قوانین و مقررات ایران، حمایت کیفری از اسرار تجاری به خصوص در فضای واقعی به درستی صورت نمی‌گیرد که لازم است با جرم‌انگاری‌های مناسب، این خلأ مرتفع گردد.

واژگان کلیدی: اسرار تجاری، مالکیت فکری، مالکیت صنعتی، فضای واقعی،

فضای مجازی.

* استادیار و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات / نویسنده مسئول
(najafi_tavani@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات (mohammad.amini58@gmail.com).

مقدمه

اسرار تجاری که عده‌ای آن را به رازی که باعث امتیازی بالقوه یا بالفعل برای دارنده آن در امر تجارت محسوب می‌شود یا هر چیزی که دارنده و مالک آن را با اقدام متعارف به عنوان یک راز حفظ می‌کند تعریف کرده‌اند (Gesmer, 2009, p. 2) دارای ارزش اقتصادی فراوانی می‌باشد؛ از این رو، همواره ممکن است مورد تجاوز و دستبرد از سوی افرادی قرار گیرد که منافع خود را در استفاده آسان از نتایج تلاش‌های فکری دیگران می‌بینند. اگرچه صاحبان اسرار تجاری می‌توانند با پیشگیری و اعمال ضمانت اجراهای مدنی از حقوق خود دفاع کنند؛ ولی تهدید به ضمانت اجراهای مدنی برای جلوگیری از نقض محرمانگی اسرار تجاری کافی نبوده و بازدارندگی مناسب را نخواهد داشت؛ بنابراین ضروری است کشورها با اعمال ضمانت اجراهای کیفری نسبتاً شدید حمایت از اسرار تجاری را استحکام بخشیده و به جرم‌انگاری نقض محرمانگی اسرار تجاری چه در «فضای واقعی» (Virtual Space) و چه در «فضای مجازی» (Cyber Space) مبادرت ورزند.

اسرار تجاری به دلیل تخصصی و فنی بودن، حمایت کیفری ویژه‌ای را همراه با اعمال سازوکارهای مناسب می‌طلبند؛ یعنی حمایت از اسرار تجاری نیازمند به‌کارگیری یک سیاست جنایی افتراقی یا به زبان حقوقی، شاخه‌ای جدید و فنی از حقوق کیفری تحت عنوان «حقوق کیفری مالکیت صنعتی» می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۵-۲۴۶). در حقوق ایران متأسفانه به رغم اینکه با تصویب «قانون تجارت الکترونیکی» در سال ۱۳۸۲ حمایت کیفری از اسرار تجاری در فضای مجازی هرچند به صورت ناقص صورت پذیرفت؛ ولی حمایت کیفری از اسرار تجاری در فضای واقعی همچنان به دست فراموشی سپرده شد و جز برخی قوانین که آن هم به صورت کلی و مبهم بدان پرداخته‌اند، قوانین دیگری مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین ضروری است با استفاده از تجربیات کشورهای که در این باره پیشرو هستند، مانند ایالات متحده آمریکا به نوعی خلأ موجود مرتفع شود؛ از این رو، در مقاله حاضر به بررسی قوانین کیفری داخلی مربوط به نقض محرمانگی اسرار تجاری و نیز قوانین فدرال آمریکا در این باره مبادرت می‌شود تا با بررسی تطبیقی این

موضوع هم شناخت بهتر و بیشتری نسبت به آن حاصل گردد و هم خلأهای موجود در قوانین کیفری داخلی راجع به اسرار تجاری کشف گردیده و به ارائه پیشنهاداتی جهت روزآمدشدن قوانین مزبور برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه منجر شود. جهت روشن‌ترشدن قلمرو بحث، ابتدا کلیاتی درباره اسرار تجاری مطرح می‌گردد و در ادامه مباحث به بررسی تطبیقی حمایت کیفری از اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال ایالات متحده امریکا به روش مزجی پرداخته می‌شود.

۱. شناخت اسرار تجاری

با توجه به تخصصی، فنی و جدیدبودن این پدیده ضروری است که ابتدا شناختی از آن صورت گیرد تا بررسی آن از نظر کیفری میسر گردد. بدین‌سان، به تبیین مفهوم اسرار تجاری پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم اسرار تجاری

اسرار تجاری (Trade Secrets) که از آن به عنوان «اطلاعات افشانشده» (Undisclosed Information) نیز تعبیر می‌شود یکی از مصادیق مهم «حقوق مالکیت صنعتی» (Industrial property Rights) است که در اسناد بین‌المللی گوناگون از جمله «تریپس» (TRIPs) و قوانین داخلی کشورها مورد حمایت واقع شده است.

اسرار تجاری برای حمایت از توسعه ایده‌های نو دارای اهمیت اساسی بوده و شامل اطلاعاتی است که برای عموم شناخته نیست. یک راز تجاری هرگونه فرمول، طرح، الگو، وسیله و گردآوری اطلاعات مورد استفاده در تجارت سری است که داری ارزش اقتصادی تقریباً مستقلی است و برای به دست آوردن یک مزیت میان رقابایی که از آن آگاهی ندارند و یا از آن استفاده نمی‌کنند مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. یکی از مشهورترین اسرار تجاری فرمول ساخت نوشابه (Coca-Cola) می‌باشد. این شرکت با حمایت از راز تجاری در سال ۱۹۲۰ موافقت کرد؛ زیرا دستورالعمل نوشابه از زمان دستیابی این شرکت به فرمول در سال ۱۸۹۲ به صورت مداوم به عنوان یک راز حفظ می‌شد و این وضعیت تا به امروز ادامه دارد (Battle, 2006, p. 5).

برای اینکه چیزی مشمول راز تجاری قرار بگیرد باید در تجارت مورد استفاده واقع شود و فرصتی را برای کسب مزیت اقتصادی نسبت به رقبا ایجاد کند. موفقیت در بازار به حفظ مزایای رقابتی بستگی دارد و اگر اسرار تجاری برای رقیب فاش شود سبب ورود زیان یا عدم نفع دارنده آن می شود (حبیب، ۱۳۸۸-۱۳۸۹، ص ۱۱). «قانون جاسوسی اقتصادی» ۱۹۹۶ ایالات متحده امریکا (Economic Espionage Act 1996 EEA) تعریف موسّعی از اسرار تجاری ارائه می کند. به گونه ای که دامنه شمول و قلمرو آن را به اندازه ای توسعه می دهد که شامل تمامی اطلاعات بدون در نظر گرفتن روش ذخیره سازی و نگهداری آنها می شود؛ یعنی قانون از «اموال ملموس» (Tangible Property) و «اموال غیرملموس» (Intangible Property) اعم از اینکه به صورت فیزیکی ذخیره شده باشند یا الکترونیکی به صورت واحد حمایت می کند. ماده (۳) ۱۸۳۹ قانون جاسوسی اقتصادی ۱۹۹۶ ایالات متحده در تعریف اسرار تجاری مقرر می دارد: «راز تجاری به معنا تمامی اشکال و انواع اطلاعات مالی، تجاری، علمی، فنی، اقتصادی یا مهندسی است که شامل الگوها، نقشه ها، فراگردها، ابزارهای برنامه، فرمول ها، طرح ها، مدل ها، روش ها، فنون، فرایندها، رویه ها، برنامه ها یا رموزها است؛ خواه ملموس باشند یا غیرملموس و اعم از اینکه چگونه ذخیره، گردآوری یا یادآوری می شوند، چه به صورت فیزیکی یا الکترونیکی یا گرافیکی یا عکس گرفتن یا نوشتن یا سپردن آنها به حافظه به شرط اینکه:

الف) مالک مربوطه «اقدامات معقولی» (Reasonable Measures) را برای حفظ محرمانگی چنین اطلاعاتی اتخاذ کرده باشد.

ب) اطلاعات به صورت بالقوه یا بالفعل از ارزش اقتصادی مستقلی نشأت گرفته باشند، از آن جهت که برای عموم شناخته شده نبوده و به سهولت از طریق ابزارهای معمولی (Proper Means) به وسیله عموم قابل احراز و دستیابی نمی باشند».

در قوانین داخلی ایران تنها ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی به تعریف اسرار تجاری مبادرت کرده است؛ بنابراین می توان تعریف ذیل را به عنوان تعریفی جامع و مانع از اسرار تجاری ارائه نمود: «هر نوع اطلاعات که دارای ارزش اقتصادی مستقل بالقوه یا بالفعل یا ارزش رقابتی است به سبب آنکه عموماً ناشناخته می باشد و به

سادگی و از طریق قانونی قابل دستیابی یا احراز نبوده و دارنده قانونی، تدابیر متعارفی را برای حفظ محرمانگی آنها ترتیب داده است» (رهبری، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

۱-۲. عناصر تعریف اسرار تجاری

همان‌گونه که در تعریف اسرار تجاری مقرر در ماده (۳) ۱۸۳۹ عنوان ۱۸ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا ملاحظه گردید، این تعریف از چند عنصر اساسی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: اطلاعات، ارزش اقتصادی مستقل، ناشناخته‌بودن، قابل دستیابی نبودن و اقدامات معقول که به بررسی هریک از آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. اطلاعات (Information)

اسرار تجاری، ماهیتاً مجموعه‌ای از اطلاعات است. مقصود از اطلاعات دانسته‌ها و معلوماتی است که ممکن است به صورت نوشته، تصویر، نوار صوتی، داده رایانه‌ای و غیره باشد. حتی ممکن است بی‌آنکه نمود عینی یابد، در حافظه اشخاص جاری باشد (همان، ص ۳۵). اطلاعاتی در حیطه اسرار تجاری قرار می‌گیرند که روشن و قوام‌یافته باشند. از این رو، اطلاعات کلی و ایده‌های مبهم جزء اسرار تجاری به شمار نمی‌آیند (Bently, 2001, p. 9).

کنگره آمریکا که انواع اطلاعات را در تعریف اسرار تجاری مقرر کرده قصد داشته که دامنه شمول قانون را موسّع نموده و از طیف وسیعی از اطلاعات مادی و غیرمادی حمایت کند.

۱-۲-۲. ارزش اقتصادی مستقل (Independent Economic Value)

این بدان معناست که بتوان این اطلاعات را خرید و فروش کرد؛ یعنی بابت صرف این اطلاعات بتوان پولی داد و آنها را به دست آورد (جعفرزاده، ۱۳۸۷-۱۳۸۸، ص ۷۸). منظور از ارزش اقتصادی مستقل ظاهراً ارزش ذاتی و فی‌نفسه است. در واقع، اسرار تجاری به مشابه کالای سرمایه‌ای ارزشمندی هستند که نقش مهمی در سوددهی شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری ایفا می‌کنند. اسرار تجاری سبب تولید محصولات یا ارائه خدماتی می‌شوند که مشتریان در ازای آن پول پرداخت می‌کنند. لازم نیست

ارزش اقتصادی که اسرار تجاری فراهم می‌آورد عمده و هنگفت باشد؛ ولی این ارزش نباید جزئی باشد (Albert, 1991, p. 331).

ارزش اقتصادی راز تجاری می‌تواند به وسیله شرایط و اوضاع و احوال جرم اثبات شود. مانند اقرار متهم به اینکه راز ارزشمند می‌باشد، در برداشتن هزینه برای شخص ثالث جهت نسخه‌برداری از راز تجاری و غیره (Battle, 2006, p. 153).

۳-۲-۱. ناشناخته‌بودن (Not Being Known)

اطلاعاتی در دایره اسرار تجاری قرار می‌گیرند که عمدتاً ناشناخته باشند. معیار دقیق و روشنی که بیانگر ناشناخته‌بودن اطلاعات باشد وجود ندارد. در اغلب دعاوی تصریح شده است که اگر اطلاعات در دسترس عموم باشد یا در تجارتی که به کار گرفته می‌شود آگاهی عمومی نسبت به آن وجود داشته باشد راز تجاری به حساب نمی‌آید؛ ولی این بدان معنا نیست که اسرار زمانی عموماً ناشناخته تلقی می‌شوند که همه افراد جامعه از آن مطلع باشند، بلکه اگر اغلب فعالان عرصه‌ای که اطلاعات در آن به کار گرفته می‌شود بدان آگاهی داشته باشند اطلاعات مزبور وصف ناشناختگی نخواهد داشت. همچنین مجهول‌بودن به این معنا نیست که منحصرراً دارنده خاصی از آن بهره‌برداری کند، بلکه ممکن است چند شخص از آن استفاده کنند و با وجود آن در آن تجارت وقوف عمومی نسبت به آن شکل نگرفته باشد (Bolter, 2001, p. 32).

۴-۲-۱. قابل دستیابی نبودن (Not Being Ascertainable)

همان‌گونه که در تعریف اسرار تجاری در حقوق امریکا ملاحظه گردید، اسرار تجاری نباید به سادگی و از طریق به کارگیری ابزارها و وسایل معمولی به وسیله مردم قابل احراز و دستیابی باشند؛ یعنی اطلاعات نباید به قدری بدیهی باشد که هر شخص با اندک تخصصی که در آن رشته مربوطه دارد، بدون تلاش بسیار بتواند به آن دست یابد. اسرار تجاری هنگامی به سادگی قابل دستیابی و احراز نیستند که اشخاص ناگزیر باشند برای تحصیل آنها به اعمال فریب‌کارانه و طرق متقلبانه روی آورند؛ مثلاً اطلاعات را از مشاوران تجاری یا مستخدمان و یا سایر اشخاصی که از اطلاعات سرّی مطلع هستند، به دست آورده یا از طریق جاسوسی اقتصادی و کنترل غیرمجاز داده‌های الکترونیک و

سایر ابزارهای غیرقانونی به اسرار دست یابند (رهبری، ۱۳۸۸، ص ۴۳). اطلاعاتی که به سادگی از طریق منابع عمومی مانند روزنامه‌ها، کتاب‌ها، پایگاه داده‌ها و... قابل دستیابی باشند به عنوان راز محسوب نمی‌شوند.

۵-۲-۱. اقدامات معقول

به موجب بخش دوم تعریف اسرار تجاری مقرر در قانون جاسوسی اقتصادی ۱۹۹۶ مالک راز تجاری می‌بایست اقدامات معقولی را جهت حفظ محرمانگی چنین اطلاعاتی اتخاذ کرده باشد. اسرار تجاری اساساً متفاوت از اشکال اموال دیگر هستند؛ بنابراین مالک این اموال می‌بایست اقداماتی معقول و متعارف تحت شرایط و اوضاع و احوال خاصی برای حفظ محرمانه‌بودن اطلاعات به عمل آورد. اگر دارنده اسرار در نگهداری راز تجاری قصور و کوتاهی کند حمایت از آن از میان می‌رود. تعیین اینکه آیا اقدامات متعارف و معقولی برای حفظ راز صورت پذیرفته است یا خیر می‌بایست با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال ماهیت راز مربوطه انجام گیرد و این موضوع از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت خواهد بود؛ مثلاً با در نظر گرفتن ماهیت راز مربوطه می‌بایست اقدامات ایمنی یک لایه یا چند لایه صورت گیرد. به عنوان نمونه در حفظ یک فرمول ممکن است فقط لازم باشد که اقدامات فیزیکی امنیتی مانند مجزاکردن راز تجاری نسبت به منطقه خاص، محدودکردن دسترسی به آن و استفاده از کارت‌های امنیتی برای نظارت انجام شود یا از محدودیت‌های کامپیوتری یا الکترونیکی مانند رمزهای عبور متعدد، لپ تاپ‌های امنیتی، پنهان کردن اطلاعات و... در کنار آنها استفاده گردد. ذکر این نکته لازم است که مالک راز لازم نیست هرگونه ابزار قابل تصویری را جهت حفظ این راز به خدمت بگیرد و اتخاذ اقدامات امنیتی کامل ضروری نیست. همین که اقدامات متعارف و معقولی را به خدمت بگیرد کافی است.

۲. لزوم حمایت کیفری از اسرار تجاری

در روش حمایت کیفری به منظور تنبیه اخلاقی مرتکب و پیشگیری از موارد نقض احتمالی بعدی، ضمانت اجراهای کیفری تحمیل می‌شود که ممکن است سلب

آزادی تن یا جزای نقدی را دربرداشته باشد. حمایت‌های کیفری از آنجایی که باعث تحمیل عمدی، آگاهانه و نظام‌مند رنج، درد و محرومیت از حقوق طبیعی است و این امر به نوبه خود نزد عقل و وجدان قابل پذیرش نبوده و برخلاف حق مالکیت، حیات، حیثیت و حق آزادی انسان است و اعمال آن هرچند در خفیف‌ترین شکل آن با همه یا یکی از حقوق مسلم تعارض دارد؛ بنابراین اعمال آن باید قابل توجیه باشد (صفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰). «کیفر به لحاظ اخلاقی فی نفسه امری بد، شر و مذموم است و بدون داشتن توجیه نظری و عملی هیچ شرع یا عقل سلیمی آن را تأیید نمی‌کند» (همو، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

صاحبان اسرار تجاری علاوه بر سهم‌بودن در منافع ناشی از استفاده عمومی از آثار خویش مستحق حمایت در برابر استفاده غیرمجاز دیگران نیز می‌باشند؛ از این رو، حمایت کیفری از این نوع مالکیت‌ها نه تنها ضروری است، بلکه از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. تعرض به مالکیت پدید آورندگان آثار فکری و عدم حمایت کیفری مؤثر در قبال رفتار متخلفان، امنیت اقتصادی و نظم عمومی جامعه را تهدید می‌کند؛ زیرا حمایتی که به موجب مقررات کیفری برای صاحبان این حقوق در نظر گرفته می‌شود مشوقی است برای خلاقیت و نوآوری در آفریده‌های جدید.

علاوه بر این دسترسی آسان، سهولت نقض و منافع سرشار حاصل از آن از جمله ویژگی‌هایی است که این نوع مالکیت را بیشتر در معرض سوء استفاده مادی و معنوی قرار داده است؛ بنابراین حمایت کیفری مؤثری را ایجاب می‌کند (علوی، ۱۳۸۴، ص ۶۶).

۲-۱. دلایل مخالفان حمایت از اسرار تجاری

عده‌ای همانند آقای /دوین هتینگر (Edwin. c. Hettinger) با توجه به اصل جریان آزاد اطلاعات (Free Flow of Information) و دسترسی نامحدود به آن، حمایت از اسرار تجاری را مانعی در مقابل ارتقای سطح کمی و کیفی دانش و فناوری و نشر اطلاعات و بهره‌برداری هرچه بیشتر از آن می‌دانند. به نظر ایشان حمایت از اسرار تجاری، محدود کننده دستیابی به اطلاعات و افکار است. این حقوق از محرمانه نگهداشتن اطلاعات و افکار حمایت می‌کند و تحدیدات غیرقابل قبولی را نسبت به امکان نقل و انقال و

جابه‌جایی کارگران و نیز انتقال فناوری به وجود می‌آورد و اصل رقابت آزاد را در نطفه خفه می‌کند. در پرتو چنین سوء کارکردهایی بود که هتینگر توجه به حذف اشکال خاص حمایت از اسرار تجاری نمود (شارپ‌پین، ۱۳۸۳، ص ۹۸-۹۹).

در حقوق اسلام نیز عده‌ای پذیرش حمایت از اسرار تجاری را مانعی در جهت ارتقای سطح دانش عمومی تلقی می‌کنند؛ به ویژه آنکه در تعالیم دینی به انتشار علم به عنوان زکات تأکید شده است. همچنین به نظر آنها شرع همواره بر تبادل علمی و بهره‌مندی از دانش و آثار فکری تأکید ورزیده است. از این رو، سایر حقوق انحصاری مادی برای متفکران که معادل تحدید دسترسی به علم است با مذاق شرع سازگار نیست (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۷۳).

مخالفان وضع ضمانت اجرای کیفری درباره اسرار تجاری، این‌گونه استدلال می‌کنند: تعریف سرّ تجاری و قلمرو آن بسیار مهم است و تا زمانی که تعریف متحد اشکال و مورد پذیرش عموم کشورها ارائه نشده است وضع مسئولیت کیفری خطرناک است؛ زیرا باید حوزه اعمال این نوع مسئولیت دقیقاً مشخص باشد تا جان، اعتبار و حیثیت افراد درباره تردید به خطر نیفتد.

مشکل دیگر مربوط به ابهام در وضع مستخدمان پیشین و تکلیف یا عدم تکلیف آنان به حفظ اسرار تجاری در صورت استخدام در شرکت رقیب است.

کیفری کردن، راه حل پیشگیرانه‌ای برای نقض صاحبان حق به شمار نمی‌آید و ضمانت اجراهایی چون حبس و جزای نقدی، زیان وارده به صاحب حق را به خوبی جبران نمی‌کند.

ضمانت اجراهای کیفری مقرر درباره دیگر اقسام حقوق مالکیت فکری نظیر حقوق مالکیت ادبی و هنری به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ وانگهی وجود این ضمانت اجراها نیز تأثیری در کاهش جرم نداشته است.

۲-۲. دلایل موافقان حمایت از اسرار تجاری

در مقابل مخالفان، عده‌ای دیگر از جمله آقای لین شارپ‌پین (Lyn Sharp Paine) معتقدند که این حقوق ریشه در مفاهیمی چون احترام به آزادی فردی، احترام به روابط

محرمانه دیگری، لزوم حمایت از اخلاق حسنه و التزام به اصل رقابت مشروع دارد و نه مفاهیمی چون ارتقای سطح دانش، نوآوری و نشر اطلاعات و افزایش تولید فکر (شارپین، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰).

در پاسخ به ایراد آقای هتینگر مبنی بر اینکه حمایت از اسرار تجاری را مانعی در جهت حمایت از توسعه دانش و فناوری و انتشار آزاد اطلاعات می‌دانست باید گفت که حمایت از این حقوق نه تنها سدی در مقابل توسعه علمی و تولید فکر نیست، بلکه سبب افزایش انگیزه اشخاص جهت سرمایه‌گذاری مالی و صرف وقت جهت تولیدات علمی می‌شود؛ زیرا با توجه به اینکه اطلاعات و افکاری که توسط اشخاص خلق می‌شود متعلق به خالق آن بوده و اوست که حق تصمیم‌گیری درباره آن را خواهد داشت و چه بسا خلق آن مستلزم هزینه‌های مالی و وقت فراوان بوده است و اگر دیگران به آسانی و بدون پرداخت هرگونه ما به ازایی از ثمره تلاش‌های فکری دیگران خوشه چینی نمایند، دیگر انگیزه‌ای برای تولید علم باقی نخواهد ماند.

در حقوق اسلام نیز باید بگوییم که حمایت از اسرار تجاری منافاتی با مذاق شرع و گسترش علم ندارد، بلکه برعکس حمایت از آن، زمینه را برای ترغیب مبتکران به توسعه دانش فراهم می‌آورد. بی‌شک، شرع نیز استفاده اقتصادی بدون مجوز اشخاص را از نتایج تلاش‌های فکری دیگران برنمی‌تابد؛ بنابراین حمایت از اسرار تجاری نه تنها منافاتی با توسعه دانش ندارد، بلکه سبب افزایش گسترده آن نیز خواهد شد.

حقوق اسرار تجاری مانعی بر سر راه اشخاصی که قصد دارند از طریق مشروع به اطلاعات محرمانه دست یابند ایجاد نمی‌کند، بلکه خود محرکی است برای افراد تا بکوشند به دانش نائل شوند. عدم حمایت از اسرار تجاری انگیزه‌های خلاقانه را که به هر دلیل به پنهان‌داشتن اطلاعات خود تمایل دارند کم‌رنگ می‌کند که نتیجه آن چیزی جز تنزل سطح دانش عمومی نخواهد بود. مضافاً اینکه از دیدگاه فقهی نیز سیره و بنای عقلا، قاعده جواز اخذ اجرت بر انجام واجبات، نظریه مالکیت تکوینی خالق اثر نسبت به آفرینش خود، توسل به ولایت حسیه و استناد مصالح عمومی می‌تواند حمایت از این حقوق را توجیه کند که بدون تردید بارزترین جلوه حمایت از آن حمایت کیفری است (جعفرزاده، ۱۳۸۵، ص ۷۶).

نقض محرمانگی اسرار تجاری و عدم حمایت کیفری از آن می‌تواند از جهات مختلفی به کشور صدمه وارد کند؛ از یک سو مانع از شکوفایی نبوغ و خلاقیت متفکران داخلی خواهد گردید؛ زیرا اگر افراد به آسانی بتوانند دستاوردهای آنان را به دست آورند، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و صرف وقت برای تولید فکر نخواهند داشت و از سوی دیگر مانع از سرمایه‌گذاری و انتقال دانش و فناوری به کشور خواهد شد؛ زیرا کشورهای پیشرفته در صورت عدم حمایت کافی از اسرار تجاری، رغبتی برای انتقال فناوری خود به کشور مربوطه نخواهند داشت. به عنوان مثال آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده تکنولوژی در جهان بیشترین نیاز را به حمایت از اسرار تجاری در سطح استانداردهای بین‌المللی دارد؛ زیرا صرف صدور تکنولوژی برای حمایت از آن کافی نیست، بلکه حفظ تکنولوژی و برتری در زمینه‌های مختلف صنعتی و تجاری است که برای این کشور در درجه اول اهمیت قرار دارد. «امریکا در بین کشورهای جهان بیشترین تقاضا را برای حمایت از اسرار تجاری در مقابل کشورهای دیگر داشته است، در واقع عدم وجود قوانین مدون، پیشرفته و مفید در کشورهای دیگر باعث شده است که این نیاز در کشور آمریکا احساس شود» (بشیری و پوررحیم، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

دلایل طرفداران مسئولیت کیفری برای ناقضان اسرار تجاری عبارت‌اند از: تفاوتی میان زیان ناشی از سوء استفاده از اسرار تجاری و زیان حاصل از سرقت مال وجود ندارد و سرّ تجاری، خود نوعی مال است. تحمیل مسئولیت کیفری برای حمایت از سرمایه‌گذاری و تحقیقات ضروری است و به حفظ استانداردهای زندگی تجاری کمک می‌کند.

مسئولیت مدنی برای حمایت از اسرار تجاری کافی نیست. برای قانونگذار شایسته و مناسب نیست که برای نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری و علامت تجاری در محیط فیزیکی و مجازی مسئولیت کیفری مقرر کند؛ ولی برای نقض سرّ تجاری قائل به این نوع مسئولیت نشود.

این اختلاف نظرها باعث شده است تا در برخی کشورها از جمله ایالات متحده تا سال ۱۹۹۶ هیچ قانون فدرال صریحاً سرقت اسرار تجاری را جرم‌انگاری ننموده باشد. البته در همان سال‌ها در ایالات متحده نهاد تعقیب می‌توانست به استناد برخی قوانین

سرقت اسرار تجاری را در وضعیت‌های محدودی مجازات کند. مثل ماده ۱۹۰۵ عنوان ۱۸ مجموعه قوانین ایالات متحده که برای افشای بدون اجازه اطلاعات دولتی از جمله اسرار تجاری به وسیله یک کارمند دولت مجازات پیش‌بینی کرده بود یا ماده ۲۳۱۴ عنوان ۱۸ برای حمل مال مسروقه از جمله اسرار تجاری میان ایالات مجازات پیش‌بینی نموده بود (U.S. Department of Justice, 2006, p. 139).

در واقع اسرار تجاری برای حمایت از ایده‌های نو حائز اهمیت است. همچنین این اسرار اطلاعاتی را ایجاد می‌کند که برای عموم شناخته نیست. اسرار تجاری می‌تواند محصول سال‌ها تحقیق و توسعه و احتمالاً هزینه صدها هزار یا میلیون‌ها دلار برای تولید آن باشد. دستبرد به اسرار تجاری می‌تواند صدمات اقتصادی شدید و نیز صدمات دیگر را نه تنها نسبت به مالک، بلکه به دیگران وارد کند. نتایج عکس آن می‌تواند به کارگران شرکت‌ها تأثیر بگذارد؛ زیرا معیشت‌شان بر مبنای تداوم موقعیت شرکت‌ها می‌باشد (Krotoski, 2009, p. 1). در موارد دیگر افشای راز تجاری می‌تواند به امنیت ملی کشور صدمه بزند. به عنوان مثال دستبرد به فناوری‌هایی چون لیست مولدهای دفاعی و نظامی که ممکن است به عنوان اسرار تجاری تلقی شوند، برای رقبا و دشمنان منابع دست‌نیافتنی نفوذپذیری را فراهم می‌آورد که برای امنیت کشور مضر می‌باشد؛ بنابراین حمایت از اسرار تجاری، هم برای امنیت ملی و هم امنیت اقتصادی کشور مهم و حیاتی می‌باشد؛ زیرا دستبرد به اسرار تجاری به قصد منتفع ساختن یک دولت خارجی و یا دستبرد به اسرار نظامی مانند اسرار هسته‌ای و موشکی می‌تواند برای امنیت یک کشور بسیار حیاتی باشد که در کشورهایی مثل آمریکا در قالب جاسوسی اقتصادی جرم‌انگاری (Criminalization) شده است. از سوی دیگر، توسعه و رشد اقتصادی کشور در گرو حمایت از اسرار تجاری می‌باشد؛ چون برای حفظ سلامت و درستی و نیز رقابتی‌بودن اقتصاد لازم است که اسرار تجاری مورد حمایت واقع گردیده و در صورت نقض با مجازات مواجه شوند؛ زیرا اسرار تجاری اطلاعاتی است که اگر برای رقیب فاش شود او را قادر خواهد ساخت تا با کسب منافع سبب ورود زیان یا عدم نفع دارنده آن شود.

۳. مبانی حمایت کیفری از اسرار تجاری

مبنا در هر نظام حقوقی، اصل یا اصولی است که قوانین و مقررات آن نظام مشروعیت و لزوم اجرای خود را از آنها به دست می‌آورند. این واژه هنگامی که درباره قلمرو حقوقی یا نظام حقوق معین به کار می‌رود، درصدد پاسخ به چرایی اعتبار و مشروعیت آن می‌باشد. جرم‌انگاری - یعنی ایجاد عناوین مجرمانه جدید در قانون - به اصول و مبانی خاصی متکی است و برای حمایت از ارزش‌ها و منافع خاصی پا به عرصه وجود می‌نهد که در هر جرم، متفاوت از دیگری است. در هر جامعه، مقنن براساس فرهنگ، تعهدات بین‌المللی، وضعیت اقتصادی، نیازهای عمومی، اختراعات و اکتشافات جدید همواره و به طور مستمر در حال وضع قانون و ایجاد جرم می‌باشد؛ بنابراین چرایی جرم‌انگاری نقض محرمانگی اسرار تجاری باید مشخص گردد.

۱۶۵

۳-۱. اخلاق تجاری (Business Ethics)

یکی از مبانی جرم‌انگاری و حمایت کیفری از اسرار تجاری اصول ارزشی اخلاقی می‌باشد. منع ایراد ضرر که ریشه در اخلاق دارد، یکی از مبانی جرم‌انگاری پدیده مجرمانه است که درباره نقض محرمانگی اسرار تجاری نیز جاری می‌باشد. کسب منفعت به هر طریق، خواسته یک جامعه اخلاقی نیست. رعایت موازین اخلاقی در روابط تجاری نیز به فراموشی سپرده نشده و همواره مورد توجه و تفسیر حقوقدانان بوده است. اخلاق حکم می‌کند از همه رفتارهای ضد اخلاقی از جمله تقلب، جاسوسی، سرقت، سوء استفاده و نقض تعهدات و تحصیل ناروای اطلاعات مجرمانه و هر ترتیب دیگری که برخلاف رضایت دارنده اسرار باشد، پرهیز گردد (Peterson, 2006, p. 274).

اصول ارزشی اخلاقی، اجازه استفاده بلاعوض از حاصل سرمایه‌گذاری فکری و مالی دیگران را نمی‌دهد؛ به عنوان مثال در روابط استخدامی نوین، کارفرمای جدید نمی‌تواند مستخدمی را که از اسرار تجاری کارفرمای سابقش مطلع است، در موقعیتی قرار دهد که ناگزیر به افشای اسرار شود.

۲-۳. منافع عمومی (Public Benefits)

در جرم‌انگاری نقض اسرار تجاری علاوه بر اینکه منافع اشخاص و صاحبان حق در نظر گرفته می‌شود، منافع عمومی جامعه نیز مورد لحاظ واقع می‌شود؛ یعنی در هر جرم علیه اسرار تجاری نه تنها صاحب حق متضرر می‌شود، بلکه جامعه نیز ارتکاب این جرایم دچار صدمات و لطماتی گردیده و متضرر می‌گردد؛ مثلاً از راه سرقت اسرار تجاری مربوط به یک کشور و انتقال آن به بیگانگان امنیت ملی که جزء منافع عمومی جامعه می‌باشد به خطر می‌افتد. به همین دلیل بعضی از کشورها از جمله ایالات متحده تحت عنوان جاسوسی اقتصادی به جرم‌انگاری آن مبادرت کرده‌اند.

توسعه اجتماعی، اقتصادی و صنعتی کشورها به حمایت از این اسرار بستگی دارد. از نظر اجتماعی، امروزه رشد و توسعه اجتماعی جوامع در گرو رشد خلاقیت و نوآوری در زمینه فکری می‌باشد. امنیت، رفاه و سلامت اجتماعی از جمله شاخص‌های توسعه و پیشرفت جوامع محسوب می‌شود و نیل به هیچ‌کدام از این موارد حاصل نمی‌شود، مگر با حمایت همه‌جانبه از این حقوق؛ یعنی برای افزایش سطح کیفیت زندگی افراد جامعه و رفاه آنان ضروری است که قوانین جامعی جهت حمایت از اسرار تجاری به تصویب برسد؛ زیرا عدم حمایت کافی نتیجه‌ای جز از میان‌رفتن روحیه ابتکار و نوآوری و سرمایه‌گذاری مالی و فکری در این زمینه نخواهد داشت. از نظر اقتصادی نیز عدم حمایت از این حقوق باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش‌های مهم اقتصادی صورت نگیرد. همچنین مانع از انتقال فناوری از سوی شرکت‌های خارجی به داخل کشور خواهد شد. حمایت از اسرار تجاری، رشد و توسعه تجارت را به همراه خواهد داشت و این امر باعث افزایش ثروت ملی و توسعه اقتصادی خواهد گردید. در نقطه مقابل، حمایت ضعیف و ناکارآمد باعث تهدید امنیت اقتصادی، رشد جرایم اقتصادی و رخوت و سستی در خلاقیت و نوآوری می‌گردد. نقض اسرار تجاری آسیب شدیدی را به امنیت اقتصادی وارد می‌کند؛ زیرا اسرار تجاری محصول سال‌ها تحقیق و توسعه و هزینه مالی فراوان برای تولید آن می‌باشد و همین مسئله صدمات اقتصادی شدیدی به کشور صاحب اسرار تجاری وارد می‌کند. این حمایت‌ها باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران خارجی بدون دغدغه سرمایه‌ها و

فناوری‌های روز خود را به کشورهای در حال توسعه انتقال دهند که این عامل باعث رشد و شکوفایی همه‌جانبه کشورهای مزبور می‌گردد.

از لحاظ صنعتی نیز لازم به ذکر است عدم حمایت از اسرار تجاری باعث رخوت و رکود در صنایع کشور خواهد گردید؛ زیرا برای جلب اطمینان شرکت‌های خارجی جهت انتقال صنایع و اینکه با طیب خاطر بیشتری حاضر به اعطای مجوزهای بهره‌برداری (قراردادهای لیسانس) به شرکت‌های ایرانی باشند، باید قوانین داخلی کشور هرگونه تعرض و تجاوز به این حقوق را جرم‌انگاری نمایند. همچنین با توجه به نظریه کار - مالکیت (ارزش - کار) که منشأ مالکیت را کاری می‌داند که هر شخص صورت می‌دهد تا از اموال مباح و بدون مالک خاص حاصل ببرد، باید اذعان شود که در واقع انسان به مدد نیروی فکر خود در عالم چیزهایی را به دست می‌آورد که مالک آن ارزش افزوده است که باید محترم شمرده شود (انصاری، ۱۳۸۸-۱۳۸۹، ص ۳).

۱۶۷

۳-۳. بازدارندگی (Deterrence)

دسترسی آسان، سهولت، نقض سریع و منافع سرشار حاصل از آن از جمله ویژگی‌هایی است که اسرار تجاری را بیشتر در معرض تعرض و سوء استفاده مادی و معنوی قرار می‌دهد؛ بنابراین حمایت مؤثری را ایجاب می‌کند؛ زیرا اغلب این اسرار با صرف هزینه و زمان فراوان خلق می‌شود؛ ولی با سهولت غیرقابل تصور، هزینه و امکانات اندک نقض شده و منافع نامشروع بسیاری را برای متجاوزان این حقوق فراهم می‌آورد. پرداخت هزینه‌های ناچیز و در عوض سود سرشار حاصل از آن معادله‌ای است که همواره متخلفان را به استفاده غیرمجاز از این حقوق وامی‌دارد و به نظر می‌رسد ضمانت اجراهای مدنی نظیر جبران خسارت نمی‌تواند در محاسبه سود و زیان ارتکاب جرم توسط مجرم و به تبع آن کاهش انگیزه ارتکاب جرم تأثیر چندانی داشته باشد؛ زیرا مرتکبان این جرایم مبلغ ناچیزی را برای عمل مجرمانه خود هزینه کرده و در عوض سود هنگفتی را به دست می‌آورند که تنها با اخذ مبلغی به عنوان خسارت نه به طور واقعی خسارات وارده به صاحب حق جبران می‌شود و نه بازدارندگی خاص نسبت به عموم مردم فراهم می‌شود. در واقع آنها این خسارت‌ها را بخشی از انجام یک

تجارت تلقی می‌کنند؛ بنابراین مرتکبان این‌گونه جرایم که عامدانه و با قصد انتفاع و سودجویی به ارتکاب این جرایم مبادرت می‌ورزند باید با ضمانت اجرای کیفری مناسب مورد مجازات قرار گیرند و سطح این مجازات‌ها نیز باید به گونه‌ای باشد که بازدارندگی لازم را نسبت به آنها داشته باشد؛ زیرا به نظر می‌رسد بالابردن هزینه نقض این حقوق از رهگذر اعمال ضمانت اجرای کیفری می‌تواند در فرآیند گزینش آنها توسط بزه‌کاران تأثیر داشته و در نتیجه میزان ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد.

هرچند ممکن است عده‌ای قائل باشند که با توجه به رویکرد هزینه فایده درباره جرم‌انگاری می‌توان از روش‌های مؤثر دیگر کنترل مانند ضمانت اجرای اداری، صنفی و مدنی استفاده کرد؛ ولی باید بگوییم با عنایت به اینکه نقض این حقوق درآمد و سود سرشاری را نصیب ناقضان می‌کند و از سوی دیگر، به سرعت و با سهولت نقض می‌شوند، استفاده از ضمانت اجرای دیگر نمی‌تواند بازدارندگی لازم را داشته باشد؛ بنابراین به رغم هزینه‌های بسیار جرم‌انگاری برای جامعه، استفاده از آن برای مقابله با این جرایم ضروری است. همچنین گاهی اوقات نقض اسرار تجاری به منافع عمومی و امنیت جامعه خدشه وارد می‌کند که با رویکردهای دیگر نمی‌توان با آن مقابله کرد.

۳-۴. الزام اسناد بین‌المللی

امروزه سیاست جنایی در سه مرحله با جرم‌انگاری روبه‌رو می‌شود. یکی از آنها جرم‌انگاری ناشی از حقوق بین‌الملل می‌باشد؛ یعنی دولت‌ها با امضا و تصویب اسناد بین‌المللی که ممکن است معاهده یا قطعنامه باشد متعهد می‌شوند مفاد آن را در حقوق داخلی خود رعایت کنند. امروزه در جرم‌انگاری علاوه بر ملاحظات داخلی و قانون اساسی تا اندازه‌ای باید ملاحظات بین‌المللی را نیز مدنظر قرار داد؛ بنابراین قانونگذار کیفری در هنگام جرم‌انگاری ضمن توجه به منابع داخلی باید به منابع فراملی آن حقوق نیز توجه داشته باشد؛ بدین ترتیب فرایند جرم‌انگاری دیگر جنبه ملی ندارد و رعایت مسائل بین‌المللی نیز ضروری است. اسناد بین‌المللی مختلفی مانند کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه تریپس به جرم‌انگاری مواردی مانند نقض اسرار تجاری کشورهای عضو را توصیه کرده‌اند.

۴. جرایم علیه اسرار تجاری

نقض محرمانگی اسرار تجاری در قوانین کیفری ایران به طور محدود و محدود پیش‌بینی شده است. قبل از انقلاب بند (ه) ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۱۰ به نوعی به جرم‌انگاری نقض اسرار تجاری پرداخته بود. این ماده تمامی جنبه‌های اسرار تجاری را دربرنمی‌گرفت و فقط مربوط به نقض اسرار مربوط به اختراع بود که در صورت افشا یا استفاده از آن مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شد. همچنین از قوانین دیگری که قبل از انقلاب به نوعی به نقض محرمانگی اسرار تجاری مربوط می‌شد می‌توان به «قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولت» مصوب ۱۳۵۲ اشاره کرده که این قانون بیشتر مربوط به نقض اسرار دولتی است تا اسرار تجاری. همچنین پس از انقلاب نیز قوانین پراکنده‌ای آن هم به صورت مبهم و ناقص به جرم نقض محرمانگی اسرار تجاری در فضای واقعی اشاره کرده‌اند که به سختی می‌توان برای مجازات ناقضان از آنها استفاده کرد؛ زیرا هرکدام با ابهامات و محدودیت‌های فراوانی مواجه‌اند. به تعبیر دیگر، این جرایم بیشتر به اسرار خانوادگی، دولتی، امنیتی، حرفه‌ای، شغلی و... مربوط‌اند تا اسرار تجاری. از جمله این قوانین می‌توان به ماده ۶۴۸ ق.م.ا. اشاره کرد که به نقض اسرار حرفه‌ای مربوط است. ماده ۴۶ «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴ نیز برای اشخاصی که از اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار استفاده کرده یا موجبات افشا و انتشار آن را در غیرموارد مقرر فراهم نمایند و نیز کسانی که با استفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت می‌نمایند، مجازات حبس و جزای نقدی پیش‌بینی کرده است. علاوه بر این قوانین مواد ۵۰۱ و ۵۰۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ که به دستیابی و افشای اسرار عمومی مربوط می‌باشد، ماده ۷۷ «قانون استخدامی وزارت اطلاعات» که مستخدمان وزارتخانه را به حفظ اسرار محرمانه و سری مکلف می‌سازد، ماده ۲۳۲ «قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب ۱۳۶۶ ماده ۱۲ قانون درباره کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ به نوعی به نقض اسرار تجاری مربوط می‌شوند. همچنین کلیت این قوانین به گونه‌ای است که ناظر به اسرار تجاری می‌باشند. مواد ۵۴۴ و ۶۰۴ ق.م.ا. نیز ترتیباتی را درباره حفاظت از اسناد دولتی و تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

مقرر می‌دارند و مجازات‌هایی را نیز در این رابطه تعیین می‌کنند که به طور غیرمستقیم می‌تواند در حیطه اطلاعات افشاء نشده به معنای اخص کلمه کاربرد داشته باشد.

تا پیش از تصویب قانون تجارت الکترونیکی، حقوق ایران فاقد مواد خاصی برای مجازات نقض‌کنندگان محرمانگی اسرار تجاری در فضای سایبر بود؛ از این رو، برخی قضات برای پُر کردن این خلأ قانونی، نقض اسرار تجاری را با تحقق عناصر سه‌گانه جرم تحت عنوان خیانت در امانت، قابل مجازات می‌دانستند؛ به عنوان مثال، شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۱۲۶۹ مورخ ۷۸/۱۲/۱۱ در پرونده کلاسه ۷۸/۱۳۱۶ کارمند شرکت «طب و رایانه» را که برخلاف شرط مندرج در قرارداد، از اطلاعات موجود در رایانه شرکت به طور غیرمجاز کپی‌برداری و با افزودن اطلاعات دیگری، دیسکت آن را در نمایشگاهی عرضه کرده بود، به استناد ماده ۶۷۴ ق.م.ا. به جرم خیانت در امانت محکوم کرده است (میرحسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۷-۲۲۸). البته به نظر می‌رسد با توجه به اینکه موضوع جرم خیانت در امانت، اموال مادی و ملموس می‌باشد، اموال غیرمادی و ناملموس مثل اسرار تجاری که با توجه به ارزش اقتصادی‌شان در زمره اموال محسوب می‌شوند، مشمول جرم خیانت در امانت موضوع ماده ۶۷۴ ق.م.ا. نباشند؛ بنابراین از این جهت به این رأی ایراد وارد است.

با تصویب «قانون تجارت الکترونیکی» در سال ۱۳۸۲ خلأ مذکور رفع گردید و نقض محرمانگی اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی جرم‌انگاری گردید. این قانون صرفاً به تحصیل و افسای غیرمجاز اسرار تجاری پرداخته و به سایر مصادیق نقض محرمانگی اسرار تجاری از جمله استفاده از اسرار تجاری برای خود، از میان‌بردن اسرار تجاری و... اشاره ننموده است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که قوانین کیفری ایران درباره جرم‌انگاری مربوط به نقض محرمانگی اسرار تجاری به ویژه در فضای واقعی دارای خلأ بسیار بوده که ضروری است با جرم‌انگاری‌های مناسب مرتفع گردد و در این زمینه می‌توان از قوانین کشورهای که در این حیطه دارای سابقه طولانی‌تری بوده و از رویه قضایی غنی برخوردارند - مثل ایالات متحده امریکا - بهره جست.

در حقوق امریکا تا سال ۱۹۹۶ هیچ قانون کیفری فدرالی که صریحاً سرقت اسرار

تجاری را جرم‌انگاری کرده باشد به تصویب نرسیده بود و دادستان‌ها برای تعقیب ناقضان سرقت اسرار تجاری از قوانین کلی دیگری از جمله ماده ۱۹۰۵ عنوان ۱۸ مجموعه قوانین ایالات متحده برای افشای بدون اجازه اطلاعات دولتی از جمله اسرار تجاری، مواد ۱۳۴۱، ۱۳۴۲ و ۱۳۴۶ عنوان ۱۸ برای استفاده از ارتباطات پستی - مخابراتی جهت نقض اسرار تجاری استفاده می‌نمودند. در سال ۱۹۹۶ کنگره امریکا عدم تناسب میان قوانین موجود با سرقت اسرار تجاری را با تصویب «قانون جاسوسی اقتصادی» (Economic Espionage Act) اصلاح کرده و این قانون دو نوع دستبرد به راز تجاری را در عنوان ۱۸ جرم‌انگاری کرده. ماده ۱۸۳۱ این قانون به جرم‌انگاری «جاسوسی اقتصادی» (Economic Espionage) و ماده ۱۸۳۲ نیز به جرم‌انگاری «سرقت اسرار تجاری» (Theft of Trade Secrets) مبادرت کرده.

چنانچه سرقت اسرار تجاری به نفع یک دولت خارجی باشد، جاسوسی اقتصادی و چنانچه سرقت به نفع هر شخص دیگری به جز مالک واقعی باشد، سرقت اسرار تجاری است. قانون جاسوسی اقتصادی، قانونی جامع جهت حمایت از اسرار تجاری می‌باشد؛ از این جهت که با ارائه تعریف موسع از اسرار تجاری، از این اسرار هم در فضای مجازی و هم در فضای واقعی به صورت یکسان حمایت می‌کند. برخلاف ایران که در فضای مجازی حمایت کیفری صورت می‌گیرد؛ ولی نسبت به حمایت کیفری در محیط فیزیکی همچنان خلأ وجود دارد. حال با توجه به توضیحاتی که ارائه گردید، جرایم مربوط به نقض محرمانگی اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال امریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. تحصیل غیرقانونی یا افشای اسرار تجاری در محیط الکترونیکی

حمایت از اسرار تجاری در فضای الکترونیکی، نوآوری قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ محسوب می‌شود؛ زیرا در این باره با فقد سابقه قانونگذاری مواجه‌ایم. این قانون نقض محرمانگی اسرار تجاری در فضای دیجیتالی یا در بستر مبادلات الکترونیکی را جرم‌انگاری کرده است. عنصر قانونی این جرم، مرکب و در سه ماده یعنی مواد ۶۴، ۶۵ و ۷۵ ق.ت.ا. پیش‌بینی شده است؛ یعنی در ماده ۶۴ قانون مزبور به

بیان عنصر مادی پرداخته شده و در ماده ۶۵ نیز به تعریف اسرار تجاری اشاره گردیده است، در حالی که مجازات این جرم در ماده ۷۵ مقرر گردیده است.

از لحاظ عنصر مادی نیز رفتار فیزیکی این جرم در قالب فعل مثبت می‌باشد؛ یعنی تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی برای خود یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی. تحصیل به معنای به دست آوردن و افشا به معنای در دسترس عمومی قرار دادن اسرار است.

قانونگذار شرایطی را جهت تحقق این جرم مقرر کرده است که می‌بایست توسط قاضی احراز شوند. اول اینکه، تحصیل یا افشای اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی ارتکاب یابد؛ یعنی در صورت وقوع جرم در فضای واقعی مشمول این قانون نخواهد بود. دوم اینکه، موضوع جرم باید اسرار تجاری و اقتصادی باشد و سایر اسرار خانوادگی، حیثیتی و... مشمول این قانون نیستند. اسرار تجاری اطلاعاتی است که دارای ارزش تجاری باشد. اسرار اقتصادی نیز اطلاعات مربوط به امور اقتصادی می‌باشند که باید توسط قاضی احراز شوند. از لحاظ عنصر روانی نیز این جرم از جرایم عمدی بود، و مرتکب باید با اراده آزاد آن را انجام دهد و تحصیل یا افشا در حال خواب یا مستی یا بیهوشی یا اجبار و اکراه باعث تحقق جرم نمی‌شود.

همچنین، مرتکب باید علم داشته باشد به اینکه اولاً، طریق تحصیل سرّ، غیرقانونی است؛ ثانیاً، آنچه تحصیل می‌کند یا افشا می‌سازد، سرّ است (جاویدنیا، ۱۳۸۷، ص ۲۸۱). مصادیق رفتارهای فیزیکی مقرر در این قانون بسیار محدود بوده و بهتر است قانونگذار با اصطلاحاتی که به عمل می‌آورد موارد دیگری را نیز به آن اضافه کند؛ به عنوان مثال، اگر کسی اسرار تجاری را از میان ببرد یا تغییر دهد یا تحریف کند، مشمول این قانون نخواهد بود.

۴-۲. سرقت اسرار تجاری

ماده ۱۸۳۲ قانون جاسوسی اقتصادی ایالات متحده به جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری مبادرت کرده است. این ماده اشعار می‌دارد: «هرکس عامداً، راز تجاری را به نفع هر شخصی غیر از مالک و با علم به اینکه جرم مربوط به مالک آن راز تجاری آسیب می‌رساند:

چنین اطلاعاتی را سرقت کند یا بدون اجازه تصاحب کند، بردارد، برباید، پنهان کند یا با حيله و فریب و خدعه به دست آورد.

چنین اطلاعاتی را بدون اجازه کپی، نسخه برداری، طراحی، ترسیم، دانلود، آپلود، تحریف، تخریب و جایگزین کند یا انتقال دهد، بفرستد، تحویل دهد، پست کند یا مخابره کند.

چنین اطلاعاتی را با علم به اینکه سرقت گردیده اند یا تصاحب شده اند یا به دست آمده اند یا بدون اجازه تحریف شده اند، دریافت کند، بخرد یا تصرف کند. شروع به ارتکاب هریک از موارد ۱ تا ۳ کند.

با یک یا چند شخص دیگر برای ارتکاب هرکدام از موارد مذکور تبانی کند و یک یا چند نفر از این اشخاص هر عملی را که موضوع تبانی را تحت تأثیر قرار می دهد، انجام دهند، به موجب این قانون به مجازات تا ده سال حبس و جریمه نقدی و تا ۲۵۰ هزار دلار یا دو برابر منافع و ضرر مالی یا هر دو محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب این جرم اشخاص حقوقی و سازمان ها باشند، به جریمه نقدی تا ۵ میلیون دلار طبق بند ب ماده ۱۸۳۲ قانون جاسوسی اقتصادی محکوم خواهند شد.

همچنین به استناد بند الف ماده ۱۸۳۴ این قانون، هرگونه مالی که از این راه به دست آمده یا هرگونه منافعی که شخص در نتیجه چنین نقضی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحصیل کرده باشد به دستور دادگاه به نفع دولت ضبط و مصادره خواهد شد. در ضمن، هرگونه مال یا وسایلی که برای ارتکاب این جرم استفاده شده یا قصد استفاده از آن به هر شیوه یا در هر بخشی برای ارتکاب یا تسهیل ارتکاب چنین جرمی وجود داشته باشد، بنا به صلاح دید دادگاه و با در نظر گرفتن ماهیت، قلمرو و تناسب استفاده از مال در جرم، ضبط و توقیف خواهند شد؛ بنابراین مصادره و ضبط اموال و منافع حاصل از ارتکاب جرم از سوی دادگاه الزامی است درحالی که ضبط وسایل و اموال مربوط به ارتکاب جرم یا تسهیل آن بنا به تصمیم دادگاه و اختیاری است.

این ماده علاوه بر اینکه سرقت اسرار تجاری را جرم انگاری کرده شروع به این جرم و تبانی برای ارتکاب آن را نیز جرم انگاری کرده است. شرط تحقق تبانی این است که علاوه بر اینکه با یک یا چند نفر جهت ارتکاب این جرم تبانی می کند،

یک یا چند نفر از این اشخاص نیز عملی را که موضوع تبانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد انجام دهند؛ بنابراین صرف تبانی برای احراز وقوع این جرم کافی نیست. رفتارهای فیزیکی این ماده نیز بسیار موسع بوده و موارد مختلفی را از جمله ربودن، نسخه‌برداری، داندلودکردن، آپلودکردن، از بین بردن، تغییردادن، تحریف‌کردن، انتقال‌دادن و... را شامل می‌شود. همچنین در این ماده مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز پیش‌بینی شده است.

قانونگذار برای حمایت از اسرار تجاری شرایطی را پیش‌بینی کرده است از جمله اینکه مالک اقدامات معقول و متعارفی را برای حفظ محرمانه‌بودن آنها به کار برده باشد. این الزام نسبت به سایر اموال وجود ندارد. مثلاً سارق برای سرقت دوچرخه یک بزه‌دیده‌ای که آن را قفل نشده در یک پارک عمومی رها کرده محکوم می‌شود؛ ولی نمی‌توان او را برای سرقت نقشه طراحی یک دوچرخه که بزه‌دیده آن طرح را در یک پارک عمومی رها کرده است محکوم کرد. همچنین از شرایط دیگر تحقق این جرم این است که متهم بدون اجازه از مالک راز تجاری به آن دستبرد زده باشد. در ضمن دادستان باید اثبات کند که متهم به قصد منفعت اقتصادی هر شخص غیر از مالک مربوطه مبادرت کرده و قصد صدمه زدن به مالک راز تجاری را نیز داشته است. در قوانین فدرال امریکا برای متهمان به نقض محرمانگی اسرار تجاری از جمله سرقت این اسرار، دفاعیات خاصی پیش‌بینی شده است که جرم‌بودن عمل را زائل می‌کند و عبارت‌اند از:

۱. توسعه مستقل یا موازی (Independent Development)؛

۲. مهندسی معکوس (Reverse Engineering)؛

۳. فقدان وصف رازبودن (Lack of Secrecy).

۳-۴. جاسوسی اقتصادی

دومین جرمی که در ماده ۱۸۳۱ قانون جاسوسی اقتصادی ۱۹۹۶ پیش‌بینی شده است، جرم جاسوسی اقتصادی است که به نوعی به امنیت و منافع ملی کشور ایالات متحده مربوط می‌شود و مجازات تعیین‌شده برای این جرم نیز سنگین‌تر از سرقت اسرار

تجاری است. این ماده سرقت اسرار تجاری به قصد منتفع ساختن یک دولت خارجی یا واسطه یا نماینده آن را مجازات می‌کند. به موجب این ماده:

هرکس عالماً و عامداً راز تجاری را به نفع هر دولت خارجی یا واسطه یا نماینده خارجی آن؛ سرقت کند یا بدون اجازه تصاحب کند، بردارد، حمل کند، پنهان کند یا به وسیله حيله و فریب و خدعه یک راز تجاری را به دست آورد؛ بدون اجازه راز تجاری را کپی، نسخه‌برداری، طراحی، ترسیم، عکس‌برداری، داندلود، آپلود، ارسال، تحریف یا تخریب کند یا انتقال دهد، تحویل دهد، بفرستد، پست کند یا مخابره کند؛ بدون اجازه راز تجاری را با علم به اینکه سرقت گردیده یا تصاحب شده یا به دست آمده یا منتقل شده است، دریافت کند، بخرد یا تصرف کند؛ شروع به ارتکاب هریک از جرایم توصیف شده در بند ۱ تا ۳ کند؛ با یک یا چند نفر تبانی کند تا مرتکب هرکدام از جرایم توصیف شده بالا گردد و یک یا چند نفر از این افراد هر عملی را که موضوع تبانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد انجام دهند به مجازات تا ۱۵ سال حبس و جریمه نقدی تا ۵۰۰/۰۰۰ دلار یا دو برابر منافع یا ضرر مالی یا هر دو محکوم خواهند شد.

مطابق بند ب ماده ۱۸۳۱:

چنانچه مرتکب این جرم اشخاص حقوقی و سازمان‌ها باشند به جریمه نقدی تا ۱۰ میلیون دلار محکوم خواهند شد. همچنین منافع و اموالی که از جاسوسی اقتصادی به دست آمده یا اموال و وسایلی که برای ارتکاب جرم به کار رفته است، به همان ترتیبی که در جرم سرقت اسرار تجاری مقرر شده است توقیف و ضبط خواهند شد.

ذکر چند نکته در اینجا ضروری است:

اول، برای مجازات شروع به جرم و تبانی، اثبات اینکه اطلاعات واقعاً یک راز تجاری بوده، ضروری نیست.

دوم، در جرم جاسوسی اقتصادی «منفعت» در معنای موسع تفسیر می‌شود و می‌تواند اقتصادی، راهبردی، اعتباری یا فنی باشد.

سوم، منظور از نماینده خارجی هرگونه مأمور، مستخدم، وکیل، خدمتگزار یا نماینده دولت خارجی است.

چهارم، منظور از واسطه خارجی (Foreign Instrumentality) عبارت است از

هرگونه آژانس، اداره، مؤسسه، انجمن یا هرگونه سازمان یا شرکت حقوقی بازرگانی و تجاری که اساساً متعلق به دولت خارجی بوده یا به وسیله دولت خارجی کنترل، حمایت یا مدیریت می‌شود یا تحت سلطه آن می‌باشد (Reily, 2009, p. 26).

۴-۴. مداخله در اسرار تجاری مسروقه

طبق بند ۳ ماده ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ کسی که بدون اجازه، راز تجاری را با علم به اینکه سرقت گردیده یا تصاحب شده یا به دست آمده و یا منتقل شده است، دریافت کند، بخرد یا تصرف کند، به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد؛ بنابراین هر دو ماده نه تنها دستبرد به راز تجاری را جرم‌انگاری کرده‌اند، بلکه همچنین دریافت، خرید یا تصرف عالمانه در راز تجاری مسروقه را نیز جرم‌انگاری کرده‌اند. علاوه بر این موارد مطابق «قانون ملی اموال مسروقه» (NSPA) (National Stolen Property Act) نیز انتقال و جابه‌جایی اموال مسروقه از جمله اسرار تجاری جرم محسوب می‌شود.

۴-۵. نقض اسرار تجاری به صورت سازمان یافته

برخی حقوق‌دانان ایالات متحده معتقدند که اگر سرقت اسرار تجاری و جاسوسی اقتصادی به صورت سازمان یافته ارتکاب یافته باشند می‌توان از «قانون جرایم سازمان یافته مؤثر و سازمان‌های فساد (ریکو)» (RICO) (Racketeer Influenced and Corrupt Organization Act) برای مجازات مرتکبان استفاده کرده و دیوان عالی کشور ایالات متحده نیز اعلام کرده است برای اینکه چنین اعمالی مستند به قانون (ریکو) تلقی شوند باید مربوط به یک فعالیت مداوم و پیوسته بوده یا در غیر این صورت در معرض تهدید به فعالیت‌های مداوم باشند. دادگاه‌ها معمولاً عواملی را برای تشخیص سازمان‌یافتگی جرم در نظر می‌گیرند؛ از جمله تعداد اعمال غیرقانونی، طول مدت زمان، شباهت اعمال، تعداد بزه‌دیده‌گان، تعداد بزه‌کاران و خصوصیت فعالیت (Breana, 2006, p. 7).

نتیجه

درباره حمایت کیفری از اسرار تجاری یا اطلاعات افشاء نشده باید خاطر نشان نماییم که در قوانین فدرال ایالات متحده حمایت از این اسرار اعم از اینکه ملموس باشند یا غیرملموس و اینکه به چه صورت نگهداری و ذخیره شوند، خواه به صورت فیزیکی یا گرافیکی، عکس گرفتن یا الکترونیکی مشمول حمایت قانونگذار می‌باشند؛ یعنی حمایت از این اسرار هم در فضای واقعی و هم در فضای مجازی به صورت یکسان انجام می‌شود؛ ولی در حقوق ایران تنها در فضای مجازی به موجب قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ از این اسرار حمایت می‌شود. تا پیش از تصویب این قانون حقوق ایران فاقد مواد خاصی برای مجازات ناقضان محرمانگی اسرار تجاری در فضای مجازی بود که در سال ۱۳۸۲ مواد ۶۴، ۶۵ و ۷۵ قانون مزبور به این موضوع تخصیص یافت. در این قانون تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری برای خود یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب می‌شود؛ بنابراین مصادیق رفتارهای فیزیکی این ماده بسیار محدود بوده و بهتر است که قانونگذار با اصلاحاتی که به عمل می‌آورد موارد دیگری را نیز به آن اضافه کند. به عنوان مثال اگر کسی اسرار تجاری را از میان ببرد یا تغییر دهد یا تحریف کند مشمول ماده نخواهد بود. همچنین شروع و تبانی برای ارتکاب این جرم نیز پیش‌بینی نشده است.

در حقوق ایران، متأسفانه برخلاف حقوق ایالات متحده، حمایت کیفری از اسرار تجاری در فضای واقعی صورت نمی‌گیرد و قوانین جامعی در این باره وجود ندارد که این مسئله خلأ بزرگی محسوب می‌شود و نیازمند تصویب هرچه سریع‌تر قوانین مرتبط با اسرار تجاری و جرم‌انگاری نقض این حقوق می‌باشد. در حقوق ایران قوانین پراکنده و آن هم به صورت مبهم و ناقص به نقض محرمانگی اسرار تجاری در فضای واقعی اشاره کرده‌اند مانند ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی که مربوط به افشای اسرار حرفه‌ای می‌باشد.

قوانین فدرال ایالات متحده از جمله قانون جاسوسی اقتصادی مصوب ۱۹۹۶ جرایم مربوط به نقض محرمانگی اسرار تجاری را چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی پیش‌بینی کرده‌اند. ماده ۱۸۳۲ این قانون سرقت اسرار تجاری، شروع و تبانی برای ارتکاب آن را جرم‌انگاری کرده است. این قانون همچنین هرگونه

مداخله در اسرار تجاری مسروقه را نیز جرم‌انگاری کرده است. ماده ۱۸۳۱ قانون مزبور نیز جرم جاسوسی اقتصادی یعنی سرقت اسرار تجاری به قصد منتفع ساختن یک دولت بیگانه یا نماینده یا واسطه آن را جرم‌انگاری کرده است، در حالی که چنین جرمی در هیچ‌یک از مقررات کیفری ایران مشاهده نمی‌شود و ضرورت جرم‌انگاری آن کاملاً احساس می‌شود.

با توجه به موارد پیش گفته، پیشنهادهای ذیل برای اصلاح قوانین و مقررات کیفری داخلی مربوط به نقض محرمانگی اسرار تجاری مطرح می‌گردد:

۱. جرم‌انگاری نقض محرمانگی اسرار تجاری اعم از سرقت اسرار تجاری یا جاسوسی اقتصادی در فضای واقعی.
۲. جرم‌انگاری مداخله در اسرار تجاری مسروقه یعنی دریافت کردن، خریدن و تصرف در اسرار تجاری مسروقه با علم به اینکه سرقت گردیده یا تصاحب شده‌اند یا به صورت غیرقانونی به دست آمده‌اند.
۳. اصلاح مقررات مربوط به نقض محرمانگی اسرار تجاری در فضای مجازی تا اینکه مصادیق گوناگونی مانند تغییر یا تحریف، از میان بردن اسرار تجاری، شروع و تبانی برای ارتکاب آن را نیز دربرگیرد.

منابع

۱. انصاری، باقر؛ مالکیت فکری (جزوه درسی)؛ تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸-۱۳۸۹.
۲. بشیری، عباس و مریم پوررحیم؛ اسرار تجاری الکترونیکی کاربردی؛ چ ۱، تهران: انتشارات جاودانه، ۱۳۹۰.
۳. جاویدنیا، جواد؛ جرایم تجارت الکترونیکی؛ چ ۱، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
۴. جعفرزاده، میرقاسم؛ «مبانی فقهی مشروعیت حقوق فکری»؛ فصلنامه الهیات و حقوق؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۹۶-۶۱.
۵. —؛ حقوق آفرینش‌های فکری (جزوه درسی)؛ تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸.
۶. حبیبی، سعید؛ حقوق مالکیت صنعتی ۱ (جزوه درسی)؛ تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸-۱۳۸۹.
۷. حکمت‌نیا، محمود؛ مبانی مالکیت فکری؛ چ ۲، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۸. رهبری، ابراهیم؛ حقوق اسرار تجاری؛ چ ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۹. السان، مصطفی؛ «جرایم علیه اسرار تجاری»؛ فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ تهران: دانشگاه تهران، ش ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱-۲۳.
۱۰. شارپ‌پین، لین؛ «حمایت از اسرار تجاری و توجیه مالکیت معنوی»؛ ماهنامه کانون سردفتران و دفتر یاران؛ ترجمه مرتضی افشاری قزوینی؛ تهران: کانون سردفتران و دفتریاران، ش ۵۴، دی و بهمن ۱۳۸۳، ص ۹۷-۱۱۴.
۱۱. صفاری، علی؛ «کیفرشناسی و توجیه کیفر»؛ گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای

- دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر؛ ج ۲، تهران: انتشارات سلسبیل، بهار ۱۳۸۴، ص ۸۹-۱۵۱.
۱۲. —؛ کیفرشناسی؛ چ ۴، تهران: انتشارات جنگل (جاودانه)، ۱۳۹۰.
۱۳. علوی، سیدمحمدهادی؛ حمایت کیفری از حقوق مالکیت معنوی در حقوق ایران در پرتو اسناد بین‌المللی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
۱۴. میرحسینی، سیدحسن؛ مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت فکری؛ چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۱۵. «استفتائات فقهی و قضایی»؛ ماهنامه دادرسی؛ تهران: مجله دادرسی، ش ۴۶، مهر و آبان ۱۳۸۳، ص ۹۱-۹۶.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «سیاست جنایی»؛ گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر؛ ج ۲، تهران: انتشارات سلسبیل، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۰۵-۲۷۲.
۱۷. هداوند، مهدی؛ «حمایت از اسرار تجاری در حقوق امریکا»؛ مجله کانون وکلای مرکز؛ تهران: کانون وکلای مرکز، ش ۱۸۴-۱۸۵، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۸۴-۱۸۵.
۱۸. وصالی، محمودرضا؛ «حمایت‌های قانونی از اسرار تجاری»؛ مجله‌نامه اتاق بازرگانی؛ تهران: اتاق بازرگانی، ش ۴۲۱، بهار ۱۳۸۱، ص ۲۱-۳۶.
19. Albert, Sylvia N.; «Intellectual Property Crimes»; **American Criminal Law Review**; v. 42, I. 2, 2005.
20. Bently, Lionel and Brad Sherman; **Intellectual Property Law**; Oxford University Press, 2001.
21. Bolter, David. J.; «Controlling Voice Studies, a Intellectual Property»; Humanlic Studies; USA, Southern Illions University Prees, 2001.
22. Barr, Katherine; «Intellectual Property Crimes»; **American Criminal Law Review**; v. 40, 2003.

23. Battle, Michael; **Prosecuting Intellectual Property Crimes**; US Department of Justice, Third Edition, September, 2006.
24. Breana, Smith; «Intellectual Property Crimes»; **American Criminal Law Review**; v. 43, 2006.
25. Doughety, Thomas; «Common Defenses in Theft of Trade Secret Cases»; **The United States Attorneys Bulletin**; v. 57, n. 5, November, 2006.
26. Gesmer, Lee. T.; **Protection of Trade Secrets in the Computer Industry**; aa: www.Gesmer.com.
27. Hosterly Micheal. J., «Intangible Property Under Mail Federal Statute and the Taking Clause: A Case Study»; **Duke Law Journal**; b. 50, i. 2, 2000.
28. Krotoski, Mark. L.; «Common Issues and Challenges in Prosecuting Trade Secret and Economic Espionage Act Cases»; **The United States Attorneys Bulletin**; v. 57, n. 5, November, 2009.
29. Reilly, Thomas; «Economic Espionage Charges Under Title 18 U.S.C.S. 1831: Getting Charges Approved and the Foreign Instrumentality Element»; **United States Attorney Bulletin**; v. 57, n. 5, November, 2009.